

بخش سیزدهم

از

ضد چریک

و

جنگ ریائی بخش ملی

موجود نبودن راهکار مسالمت آمیز، راهکار دیگری که همان
مبارزه مسلحانه میباشد را به خلق کرد تحمیل میگرداند.
این راهکار هم برای نابودی طرف مقابل نمی باشد، بلکه
برای تحمیل مذاکرات و راه حل مسالمت آمیز انجام میگردد.
بنابراین مبارزه مسلحانه مرحله دوم سیاست میباشد که
در زمانی روی خواهد داد که دیگر راهکارهای سیاسی به
بن بست رسیده باشند.

از : سرهنگ چیا

(این بخش به علت بیماری با تاخیر طبع و منتشر میگردد)

قبلا گفته ام که در آغاز اولین مرحله جنگ خلقی عمده ترین صحنه عملیاتی " ضد چریکی" واحدهای چریکی یا پار-
تیزانی در کوهستانها یا جنگلها ، در حوالی کوره راهها - در آنجائیکه هر دو حریف ، دومحور تاکتیکی مربوط به خود را
یعنی : برنامه ذله کردن و کمین نابودگرانه را به معرض نمایش میگذارند - جریان مییابد . همچنین اشاره کرده ام که
هیچ واحد پیشمرگه یا گریلا " چریک یا پار تیزان" نمیتواند بشکلهای تدریجی نفس بکشد مگر اینکه تهیه و تدارک خوب
تجهیزات مناسب و منابع لوژیستیکی (منطقه تهیه و تدارک شده) را در اختیار داشته باشد . و در یک چنین حالتیست که
جبهه چریکی یا گریلائی خواهد توانست خود را حفظ کند ، و بابکار گرفتن و اجرای منظم و مداوم تاکتیکهای نابودگرانه
و تاکتیکهای عقب رانی و ذله کردن و بستوه آوردن ، بعنوان تاکتیکهای ساده کمکی امکانات خود را افزایش دهد .

بریا داشتن کمین ها در راهها از طریق منفجر کردن مین ها ، و نابود کردن زنده ماندگان ، از نقطه نظر عملی ، سودمند
ترین چیزهاست . زیرا دشمن غافلگیر شده نمیتواند مهمات خود را بکار گیرد ، و فرصت فرار کردن را نخواهد داشت ، و یا -
رتیزانها یا پیشمرگه ها بی آنکه مهمات چندان از دست بدهند نتایج با ارزشی را بچنگ خواهند آورد .

در جنگ : " ملی و انقلابی" بینش های بیان شده بوسیله اصطلاحاتی از این قبیل : (نبردهای باتصمیم سریع ، ضربه
برق آسا ، بزن و بگریز... و غیره) نمایشگر این ضرورتست که باید با یک دینامیسم خاص ، دست بعمل زد . نظرباینکه
واحدهای چریکی یا پیشمرگه معمولا از میان خلق برخاسته اند ، بدون انضباط شدید نظامی میباشند ، ولواینکه : آمادگی

و تعلیمات خوب دریافت کرده باشند ، لازمست که : با استعمال مینها ، کمبودهای ناشی از این نقص را جبران کرده و از خسارت احتمالی اش جلوگیری بعمل آورند . از تفنگ که بگذریم ، مینها یکی از عمده ترین اسلحه‌تاکتیکی یک واحد چر- یکی یا گریلانی بخود متکی بوده - و علامت مشخصه هر واحد " گریلایی یا پیشمرگه " بخود متکی بوده - و علامت

مشخصه هر واحد " گریلایی یا پیشمرگه " کیفی بشمار میرود . یک واحد " چریکی یا پارتیزانی " که بطور منظم بیک جنگ مینها مبادرت نمی ورزد ، بناچار تحت اثرات برنامه ذله کردن و بستن آوردن (ضد چریک) بطرف **ادامه حیات** کشانده خواهد شد . برعکس اگر واحد چریکی یا گریلایی که بطور منظم ، بیک جنگ مینها مبادرت و قدرت تخریبی خود را از طریق استعمال منظم مینها افزایش دهد و در آغاز بکوشد که کمین های متعدد با مواد منفجره صدا دار برپا دارد ، خیلی زود در میان نیروهای دشمن یک نوع بیماری روانی " **خوف و ترس** " از مواد منفجره را بوجود خواهد آورد که بی نهایت روحیه خراب کن است .

اشاره کنم که : این امر غیر ممکن یا خیلی کم محتمل است که یکی از واحدهای چریکی یا پارتیزانی بتواند بکمک قدرت آتش ، یک کمین نابودگرانه را بر علیه نیروهای دولتی بانجام برساند . واگر کسی در اینباره تردید دارد ، بهتر است که مطالعه کند و ببیند که در کردستان در ظرف سه دهه اخیر (بویژه در اوایل جنبش) ، این امر چند بار (با نتیجه منفی) به محک آزمایش گذاشته شده است . از طرف دیگر : این نحوه عمل کردن ، حتی در صورت موفقیت ، مجروح و کشته شدن تعداد فراوانی را متوقع است که یک واحد پیشمرگه یا گریلا نمیتواند (و نباید) چنین و لخرجی را بخود اجازه دهد .

زیرا برای دشمن بردن دو چریک یا گریلای مجروح بروی برآکارد کافی است که یک واحد چریکی یا گریلایی عملا فلج شود .

همچنین نظر باینکه اثرات روانی یک کمین بنا شده بر پایه سلاحهای خودکار ، هرگز بشدت تاثیر یک کمین متکی بر مواد منفجره صدادر نمیباشد . لذا این فلج شدگی برای هر واحد " پیشمرگه یا گریلا " کشنده است . واگر ضد چریک نشانه هائی از خون در امتداد جا پاها یا در سنگرهای " پیشمرگه یا گریلا " پیداکند ، بلافاصله موقعیت قبل از تماس دائمی را فراهم میکند . و قبلا دیده ایم و قتیکه ضد چریک چنین شیوه ای را در پیش میگیرد ، منظور او چیست : **1 - کمین ، 2 - ثابت نگهداری ، 3 - محاصره و نابود گری .**

بنا بر این باید به کمک جنگ مینهای همگانی شده - که دشمن را در یک موقعیت دشوار وبدون وجود راه حل قرار خواهد بپر حمانه و تا حد ابتلای دشمن به بیماری عصبی به اوضربه زد . اگر نیروهای اشغالگردانند که مینهای الکتریکی یا بر خورد با گونه کمینی ممکنست هر آن انفجاری رخ دهد ، روحیه جنگندگی واحدهایشان بنحو انکار ناپذیری در هم شکسته خواهد شد . زیرا که : یک مرگ غافلگیرکننده وبدون امکان شلیک یک گکوله ، خیلی زود برایشان بصورت یک کابوس در خواهد آمد . و ایجاد یک چنین حالتی ، روحیه جنگندگی دشمن را در هم خواهد کوبید ، و بویژه ، در صفوف او عدم اطاعت از دستور ، فرار از خدمت و ضعف و ناتوانی رابه وجود خواهد آورد .

همبیکه برنامه ذله کردن بستوه آوردن خنثی گردید و محور تاکتیکی ضد چریک در هم شکسته شد ، او دیگر قادر نخواهد بود که جهت های در پیش گرفته شده بوسیله چریکها یا گریلاها را باز شناسد . اما در مورد کسانیکه تصور میکنند که یک پایگاه ظاهری توده ای کافیسست که واحد های " پیشمرگه یا گریلا " حک جنبش (ملی - انقلابی) بتواند بحیات خود ادامه دهد و توسعه و گسترش یابد ، باید گفت که : یک چنین نظری اشتباه است .

تا و قتیکه یک چیز تجربی با یک چیز مشخص عوضی گرفته شود ، تا و قتیکه بر درک مفهوم واقعی نسبت ها ، دست به عمل زده نشود - و تا و قتیکه مبارزه مسلحانه به آن واحدهای " پیشمرگه یا گریلا " محدود شود که : فاقد تعلیم و تمرین اند - و فقط سلاحهای انفرادی در اختیار دارند ، هر قدر هم منطقه تهیه و تدارک شده یا منطقه جنگ چریکی وسیع و گسترده باشد ، همواره بمبارزینی محاصره شده و یا با صلاح (**ادامه حیات**) محدود خواهند شد . و این مبارزه در بهترین حالات به حیات خود ادامه خواهند داد ، به تعبیر بهتر : بجای اینکه پروسه ای را دنبال خود بکشاند . بعکس بدنبال آن کشانده خواهد شد : (موقعیت حال و گذشته جنبش کردستان شرقی نمونه بارز و روشنی از این واقعیت است) !

میدانیم که در انجام یک کمین نابودگرانه ، عواملی چند خود را بما تحمیل میکنند : **1** - غافلگیر کردن دشمن **2** - زمانی که مشغول تغییر محل دادن است **3** - انتخاب کردن یک زمین با میدان عمل مناسب **4** - در اختیار داشتن یک قدرت آتش خوب و شایسته.

دشمن را میتوان در هنگام اجرای برنامه : ذله کردن و بستن آوردن خود غافلگیر کرد. زمین یا میدان مناسب عبارت است از : **1** - گردنه ها **2** - حاشیه جنگلها و غیره . اما در مورد قدرت آتش : هما نظریکه بارها تکرار کرده ام این قدرت بر اثر استعمال انواع مینها افزایش خواهد یافت. لازمست که در زمینه رعایت پاره جزئیات بسیار مهم پا فشاری کرد ، مخصوصا هنگامیکه بدون در دست داشتن مینها یا انواع دیگر مواد منفجره ، خود را وارد عملیات میکنیم.

میتوان ترتیب استقرار " چریکها یا گریلاها "ی در کمین را بطور ترسیمی ، بصورت یک " کروش " یا یک " اس " و یا یک نعل اسب نمایش داد. برنامه آتش همواره باید بنحوی سازمان داده شود که دشمن از زاویه های متعدد یا آتش متقاطع خود را اسیر و گرفتار مشاهده کند.

باید از توجه باین باین امر غافل نشویم که بهر پیشمرگه یا گریلا میدان تیر اصلی و ثانوی اش - و نیز در آنجائیکه نباید شلیک کند را متذکر شویم. سرکمین ، یعنی جوخه یا گروهی از واحد پیشمرگه یا گریلا که باید آتش را بگشاید - معمولا وقتی که اولین سرباز یا خودرودشمن به **10 تا 20** متری رسید - مسئولیت دارد که باید آتش را بگشاید - و تئیکه پیشقراول نیروی دشمن نابود و از صحنه نبرد خارج شد - غنائم را جمع آوری کند.

سرکمین باید در دورترین نقطه کروش - نسبت بدشمن - یا در دورترین انحای - نسبت به دشمن - و یا در یکی از نقاط انحای نعل اسبی که قبلا بآن اشاره کردم قرار داده شود. گروهها یا جوخه های دیگر وظیفه دارند که : واحدهای باقی مانده دشمن را ثابت نگهدارند ، بمنظور اینکه آنها نتوانند به حمایت پیشقراولان خود - که دیگر در معرض دیدشان قرار ندارند پیشروی و در کمین بیافتند.

مسئله اصلی واحد چریکی یا پارتیزان باید در آن نزدیکی ها در محلی قرار بگیرد ، بنحوی که قادر باشد یک نظارت مستقیم در زمینه وقایع و تماس رادیویی " بیسیم " با کلیه گروهها و یا جوخه ها بعمل آورد.

مسئول اصلی واحد چریکی یا پارتیزانی ، دستور عقب نشینی از پیش مشخص و پیش بینی شده را ، در مورد هر یک از گروهها یا جوخه ها صادر خواهد کرد و هر گروه یا جوخه باید از راه پیشا پیش معین شده عقب نشینی نماید ، اتصال و بهم پیوستگی حفظ شده و از این امر اجتناب بعمل خواهد آمد که بعضی از " پیشمرگه یا گریلا " ها ، بخيال اینکه هنوز دستور عقب نشینی صادر نشده بر سر پست خود باقی بمانند - و یا برعکس ، زوتر از موعد مقرر آنرا ترک کرده و در نتیجه ، موقعیت حمله را در معرض خطر قرار دهند.

بنا بر این توصیه میشود که در اختیار هر گروه یک دستگاه فرستنده - گیرنده قرار گیرد ، و در صورت عدم امکان علامتی برای عقب نشینی از قبل تعیین در نظر گرفته شود. مسیر عقب نشینی باید مورد مراقبت و نگرهبانی شدید قرار گیرد.

ولی همینکه ستون و گروه عقبدار ضد چریک " نیروی دشمن " بدام کمین افتاد ، سعی میکنند که برای حفظ خود ، از کمترین پستی و بلندی زمین - با بی نظمی والکی ولی با حد اکثر ممکن تیراندازی کردن - استفاده نمایند ، و در اینحال اگر میدان عمل بخوبی انتخاب نشود - مزیت های چندانی در اختیار واحد چریک " نیروی خودی " قرار نمیدهد ، بهترین است : همینکه سرکمین ، غنائم خود - یعنی سلاح و مهمات بچنگ آمده از پیشقراول دشمن را بچنگ آورد - واحد چریکی هرچه زودتر دست و پای خود را جمع کرده و عقب نشینی نماید.

در یک کمین بدون استفاده از مین یا مواد منفجره دیگر ، نظر باینکه افسریا مسئول ضد چریک م و مسئول فنی رادیو : (فرستنده - گیرنده) ، در وسط ستون میباشد ، اگر بلافاصله نابود و از میدان نبرد خارج نشود ، سعی خواهد کرد که خود را حفظ و یا بهر نحو شده مخفی نماید ، باینمنظور که بتواند با پاسگاه اشباع کننده تماس رادیویی برقرار نماید ، این پاسگاه نیز بنوبه خود ، با رده بالا تماس خواهد گرفت و این ارگان بالاتر به ترتیبی که در هنگام بحث در مورد برنامه ذله کردن و بستن آوردن یاد آور شده ام - بلافاصله دست بعمل خواهد زد.

در یک کمین با استفاده از سلاح نیم سنگین (آر- پی - جی یا بازوکا) و مین ، باید نوعی کروش یا حتی یک خط مستقیم واقع شده - در صورت امکان - در کنار یک مسیل یا یک گودال ، ترسیم گردد . در اینجا برصلاف کمین های متکی بر سلاح های انفرادی ، تعداد ونحوه آرایش چریکها یا پارتیزانها به آن حد (مورد قبولی) مهم نیست .

زیرا که دشمن در یک چشم بهم زدن نابود خواهد شد - ولی با اینهمه لازمست که با دقت یک برنامه آتش ، برای آن قسمت از افراد دشمن که بتواند خود را از مهلکه برهانند از پیش تهیه و آماده شود - بعبارت دیگر ، لازمست پناگاههایی را در نظر گرفت که ضد چریک " نیروی دشمن " پیش از بخود آمدن از شک روانی به سراغشان خواهد رفت م در این پناگاهها نیز باید مواد انفجاری دیگری کار گذاشت .

در کمین های متکی بر سلاحهای انفرادی ، باید زمین و میدان عمل را انتخاب کرد ، قسمت مناسب باید بوسیله واحد پیشمرگه یا گریلا اشغال گردد ، و قسمت نامناسب یعنی (هرچه بیشتر کم درخت و گیاه) ، بدون پناگاه ، بدون خروج گاه برای صد چریک " نیروی دشمن " باقی گذاشته شود . بالاخره ، این زمین باید نزدیک به محلی باشد که برای ثابت نگهداری ستون دشمن در نظر گرفته شده - و دوتیرانداز ماهر برای از پا در آوردن افسرومسئول فنی رادیو (فرستنده و گیرنده) مستقر گردیده است ، واحد پارتیزان یا گریلا با از بین بردن این دوفر ، نیروهای دشمن را منزوی کرده و از پناگاه اشباع کننده ونیز پشتیبانی هلیکوپترها محروم خواهد ساخت .

بخشی از جاده یا کوره راه ، که برای کمین در نظر گرفته شده تا نقطه ای که " سر " کمین را در آنجا قرار میدهیم ، نباید حاوی هیچ نوع وضع غیر عادی مانند : 1 - وجود معبرهای موازی با آن 2 - جایاها ونشانها 3 - شاخه های شکسته درختان ، بوده باشد . وگرنه گروه شناسائی دشمن ، قبل از " وارد شدن " در آن ، سرنخ اش را دنبال کرده و در نتیجه توفیق خواهد یافت که موضع کمین را کشف ، و چریکها یا پارتیزانها را به عقب رانده و یک موقعیت منفی آمیخته به ابها م را بوجود آوردند . بنا بر این جاده یا کوره راه در نظر گرفته شده برای کمین ، باید از هرگونه وضع غیر عادی داشتن مبرا باشد . زیرا غافلگیری کنندگی قضیه در همینجا است .

بخاطر ضرورت این احتیاط کاریها میتوان گفت که کمین از داخل بطرف خارج ، به تعبیر بهتر 1 - از جنگل بطرف کوره راه ، 2 - از کوهستان بطرف دشت ، تهیه وتدارک میشود . بموازات آن ، باید مینها در میان خاروخاشاکها وبوته ها ، در حریم جاده ها " طرفین جاده " مخفی شوند - بطوریکه نشانه های سوء ظن ایجاد کننده ای بر جای نگذارند - و از هر نوع حرکات مظنون کننده ای در آن حوالی باید قویا خودداری به عمل آید ، چه در این حال توجه ضد چریک را به آن جلب خواهند کرد .

وقتی که همین واحدهای " پیشمرگه یا گریلا " در کمین های پی در پی نابودگرانه با مواد منفجره از قبیل " مینها " توفیق پیدا میکنند ، معروفیت وشویه عملشان به منزوی کردن جوخه های مامورومجری : برنامه ذله کردن وبسته آوردن منجر میگردد ، و بدینوسیله به آنها امکان میدهد که افرادی از نیروهای دشمن را اسیر نمایند .

در زمین یا میدان عملیاتی که با دقت انتخاب شده ، همینکه پیشقراول و بیش از نیمی از ستون نیروهای دشمن وارد مسافت مین گذاری شده - گردیدند ، برای تخریب روحیه وترساندن شان باید فریاد زد که بزودی همه شان تکه تکه خواهند شد . با زندانیان باید بخوبی رفتار کرد ، از مجروح شدگان (اسیر) باید مراقبت ومواظبت بعمل آورد ، هر نوع عملی علیه آنان باید مجازات کرد . پس از اینکه انگیزه های مبارزه برایشان توضیح داده شد ، تک تک آنها را باید مورد باز جویی قرار داد . سپس سلاح ومهماتشان را تصرف کرده وآزشان نمود - البته در اینمورد نسبت بکسانی که به جنایتکار بودن معروفیت یافته اند ، باید قائل باستثناء شد .

در اینموقع واحد پارتیزان " گریلا " باید بلافاصله صحنه عملیات را ترک کرده - و بیک راه پیمائی اجباری بمدت (دو تا سه روز) هر روز بمدت هشت ساعت تن در دهد - و در پشت سر خود ، در طول کوره راه ، همه نوع تله های عقب رانی جا بگذارد .

1 - ننگ داشتن نیروهای دشمن در یک : حالت نگرانی وعذاب ، در بین هر کمین نابودگرانه ، امری مهم وحیاتی است .

2 - مسئله اینست که باید در عینحال به دشمن فهماند که این عقب نشینی - واحد چریکی " گریلایی " نه از روی ترس ، بلکه برای تمرکز نیروهای خودی ، تخریب روحیه دشمن و خنثی کرده برنامه ذله کردن و بستن وی صورت میگیرد.

در پایان این بخش چنین نتیجه میگیریم :

در جنبش " پیشمرگه ای یا گریلایی " ما که در حال حاضر بدلائل فقدان ((رهبری - و مدیریت)) آن ، در پائین ترین سطح خود قرار داریم؟! ، مبارزه مسلحانه نباید (نمیتواند) با یک جبهه بلکه باید با دوتا سه جبهه متکی بخود احیا و آغاز بکار کند - در چنین مواردی مینهارا باید بعنوان (عمده ترین) ! سلاح تاکتیکی بکار برد ، و مناطق تهیه و آماده شده هریک با دیگری در حدود یکصد (100) کیلومتر فاصله داشته باشند.

چاپ و انتشار این مطلب ادامه دارد

Chia.rabii@yahoo.com

مالمو سوئید